

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطيبين الطاهرين و لعنة الله على
اعدائهم اجمعين.

رُويَ عن الصادق (عليه السلام) قال: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ».[١]



بحث ما راجع به «حیا» بود، گفته شد یکی از بزرگ‌ترین مشکلات جامعه ما ترویج بی‌حیایی در سه رابطه دیداری، گفتاری و رفتاری است. عرض کردم که حیا یک موهبت الهی و غریزه انسانی برای انسان است و در روابط گوناگون فردی و اجتماعی نقش بسیار بزرگی دارد. در جلسات گذشته رابطه حیا و عقل و رابطه حیا و تقوا را مطرح کردم. جلسه گذشته نیز رابطه حیا و ایمان را بحث کردم.

تقسیم‌بندی حیا؛ عامل، عمل، ناظر

حالا وارد بحث تقسیم‌بندی حیا می‌شویم؛ حیا در روابط گوناگون دارای اقسامی است. مقدّماتاً این مطلب را عرض کنم که چه بسا از تعریف‌هایی هم که از حیا کرده بودند، این تقسیم‌بندی به دست می‌آید؛ ما گفتیم که حیا عبارت است از آن انفعال درونی انسان که در ربط با عمل زشتی که از او سر می‌زند، پیدا می‌شود و از آن حالت به «انفعال نفس» یا «انکسار نفس» تعبیر می‌شود.

ما در باب حیا یک عامل داریم، یک عمل داریم و یک ناظر. یعنی شخصی هست که عملی از او سر می‌زند، عملی که زشت و قبیح است و بعد هم ناظری هست که به آن عمل نظارت دارد. این حالت انفعال، به عامل در ربط با آن ناظر دست می‌دهد. علمای اخلاق هم در تعریف‌هایشان داشتند که این ناظر موجب سرزنش و نکوهش آن عامل در ربط با آن عمل قبیحی که انجام داده است، می‌شود.

بنابراین ما سه چیز داریم: یک؛ شخصی که عمل زشتی از او سر می‌زند، دو؛ عمل زشت و سوم؛ مسأله ناظر است که عمل او را نظاره می‌کند و این در ربط با آن شهود شاهد است که منفعل و منکسر می‌شود.

انواع ناظر

در اینجا یک تقسیم‌بندی در باب حیا نسبت به ناظر وجود دارد. در باب ناظر، یعنی به اصطلاح شخص دوم، می‌گویند ناظری که شهود می‌کند، یک وقت ناظری است که از نظر ظاهری «شهود ظاهری» دارد، نفس عمل را در خارج می‌بیند و خود ناظر هم مشهود است، به طوری که عامل او را می‌بیند و شهود می‌کند. یعنی شخصی که دارد کار قبیح را انجام می‌دهد در مرئی و منظر شخص دیگری است که آن شخص دیگر را هم این عامل به رؤیت ظاهریه می‌بیند.

اما یک وقت هست که این ناظر، بیرونی است اما عامل، آن کسی که دارد عمل قبیح را انجام می‌دهد، از نظر ظاهر شهودش نمی‌کند، عامل او را نمی‌بیند ولی او هم عامل و هم عمل را می‌بیند. یک وقت هست که نه، آن کسی که ناظر است و عمل قبیح را شهود می‌کند، بیرونی نیست، درونی است. حالا من وارد همه اینها می‌شوم.

یکی اینکه ناظر بیرونی نیست، درونی است، این طور نیست که مثل حسن و حسین و تقی باشد. دیگر اینکه، بیرونی است که من را می‌بیند و من نیز او را می‌بینم و دیگری اینکه بیرونی است که من و کار من را می‌بیند، اما من او را نمی‌بینم. یک قسم هم داریم که مافوق همه اینها است که بعد عرض می‌کنم. حالا اینها را فهرست‌وار جلو می‌آیم و بحث می‌کنم.

۱. ناظر بیرونی و مشهود

مسأله در آنجایی است که ناظر بیرونی است و من او را می‌بینم و او هم من را به رؤیت ظاهری می‌بیند. این فرد شاخصی است که ما در باب حیا مطرح می‌کنیم، یعنی در مرئی و منظر مردم عملی صورت می‌گیرد. عامل یک انسان است و شاهد هم یک انسان دیگر است که دارد می‌بیند عمل قبیح از کسی سر می‌زند.

اگر این شخصی که دارد کار قبیح را انجام می‌دهد هنوز از نظر انسانیت مسخ نشده باشد، یعنی آن امر موهبتی الهیه، غریزه انسانیّه که خدا در نهاد او قرار داده است از بین نرفته باشد، شرمنده و منفعل می‌شود که در دیدگاه شخصی مثل خودش، دارد این عمل زشت را انجام می‌دهد. قبلاً هم گفتیم انفعال یک وقت حین عمل است، یک وقت بعد از عمل است، ما در اینجا مشکلی نداریم چون من بعد از عملش را هم بحث کردم که ممکن است غفلتاً عمل قبیحی از شخصی سر بزند بعد خودش پشیمان و منفعل شود که چرا اینها را گفتم؟! و تکرار هم نمی‌کنم! بدترین اشرار کسی است که از مردم حیا نکند

ما در روایاتمان داریم، چون روایات متعدد است من یکی را به عنوان نمونه می‌خوانم، بعد بحث نسبتاً مفصّلی راجع به این مسأله داریم. روایت از علی(علیه‌السلام) است که حضرت فرمود: «شر الأشرار من لا یستحیی من الناس» [۲] یعنی اگر بخواهیم انسان‌ها را دسته‌بندی کنیم و بگوییم یک دسته اشرار هستند، در برجسته‌ترین آنها از نظر شرارت آن شخصی است که از مردم خجالت نکشد؛

لذا در اصطلاح تعبیر می‌کنند «حیاء من الخلق»، «حیاء من الناس». این یک قسم از اقسام حیا در ارتباط با ناظر فعل قبیح است. این قسم بیرونی بود نه درونی، البته بیرونی که پیش من مشهود است و او را می‌بینم، غیر مشهودش را بعد بحث می‌کنم، اینها از نظر کاربردی بحثی دارد که مطرح می‌کنیم.

۲. ناظر درونی؛ حیاء من النفس

دوم؛ این که شخص دوم یک شاهد و ناظر بیرونی نباشد، درونی باشد. حتی در محاورات عرفی ما هم هست که من اینها را در قالب روایتی خودمان می‌ریزم. ما گفتیم انسان مجموعه‌ای از قوای شهوت و غضب و عقل عملی و نظری و وهم است. انسان این طوری است که خودش از خودش خجالت می‌کشد که من گفتم این حتی در محاورات عرفی ما هم هست. امر قبیحی که از او سر زد و بعد سر عقل آمد، عقلش او را نکوهش می‌کند. این همان نفس لوامه است. من اینها را در همین بحث حیا گفتم. خودش خودش را سرزنش می‌کند.

لذا ما حیایی داریم که «حیاء من النفس» است. اینهایی که می‌گوییم همه‌اش معارف ما است. روایت از علی(علیه‌السلام) است که فرمودند: «حیاء الرجل من نفسه ثمرة الإیمان» [۳] است که می‌فرماید: «من تمام المروءة أن تستحیی من نفسك» [۴] مردی این است که از خودش خجالت بکشی. حتی تعبیر این است که می‌فرمایند: «أحسن الحیاء استحیاءک من نفسك» [۵] غایه الحیاء أن یستحیی المرء من نفسه» [۶] که اصطلاح حیا از نفس را از این روایات گرفته‌اند. زیباترین حیاها این است که خودش از خودش خجالت بکشی. ما زیاد روایت داریم مثلاً تعبیر دیگری است که فرمودند: «تمام جوان ثمره ایمان این است که انسان از خودش حیا کند. روایت دیگری

پس قسم اول حیا از مردم «من الخلق» است و قسم دوم؛ «حیا من النفس» است. اینها که من گفتم برجسته‌تر بود. انسان خلافی می‌کند و دیگری ایستاده است او را می‌بیند و انسان شرمنده می‌شود یا کسی نیست خودم هستم اما من خودم از خودم خجالت می‌کشم، البته تا وقتی که هنوز مسخ نشدم. به این می‌گویند «حیا من النفس».

۳. ناظر بیرونی و غیر مشهود

حالا سراغ بقیه اقسام می‌رویم. ادراک دو قسم اول که شخصی ایستاده است و مرا می‌بیند و این که خودم خودم را ادراک می‌کنم خیلی روشن است، چون اینها متعارف است. به تعبیر دیگر؛ اینجا لازم نیست که به آن اعتقاد و ایمان بیاوری، از این حرف‌ها خبری نیست، خودم خودم را درک می‌کنم یا تو را می‌بینم که به اعمال می‌نگری، ظاهراً در آن پیچیدگی ندارد. در آن پیچیدگی ندارد. از تو خجالت می‌کشم، از خودم هم خجالت می‌کشم. این جزو محاورات عرفی خودمان هم هست. می‌رویم آنجایی که شخص دوم، یعنی ناظر، از نظر شهود ظاهری مشهود من نیست. این دیگر جنبه اعتقادی است. اینجا بحث، بحث ایمانی است.

• دو فرشته ناظر اعمال ما هستند

کسی که مدعی است مسلمان هستم، کسی که مدعی است مؤمن هستم، کسی که می‌گوید من به قرآن اعتقاد دارم که کلام الله است، در قرآن این آیه را داریم: «إِذْ يَتَلَفَّى الْمُتَلَقِيَانِ عَنَ الْيَمِينِ وَ عَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ؛ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ» [۷] نویسند، پس دو تا ناظر اینجا شد یکی چپ و یکی راست. یعنی دو تا فرشته انسان را فرا می‌گیرد، یکی طرف راست، یکی طرف چپ، نگاه‌بانانی آماده و مهیا هستند، مواظب هستند که هرچه بگویی و هرچه بکنی آنها را می‌بعد هم می‌فرماید اینها هیچ چیز را از ذهن‌شان بیرون نمی‌ریزند، اصلاً هیچ چیزی را فروگذار هم نمی‌کنند. اینها به تعبیر ما مأمورهای ثبت اعمال هستند، اینها احاطه بر انسان دارند و تا نبینند نمی‌نگارند، باید کار را ببینند و بنویسند. برای این که در این شبهه‌ای نکنید این آیه را خواندم.

از این فرشته‌ها باید خجالت کشید!

روایتی است که پیامبر می‌فرماید: «قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) ليستحيى احدكم من ملكيه الذين معه كما يستحيى من رجلين صالحين من جيرانه و هما معه بالليل و النهار» پیغمبر اکرم فرمود: از این دو تا فرشته‌هایی که با شما هستند خجالت بکشید همان طور که از دو تا آدم شایسته از همسایه‌ها که با آنها رودربایستی دارید و خجالت می‌کشید که نکند آبرویتان برود. هم همسایه چپ دارید و هم همسایه راست دارید. «و هما معه بالليل و النهار» این دو فرشته شب و روز رهایتان نمی‌کنند، از این دو تا خجالت بکشید.

روایت زیاد داریم، از وصیت‌های پیغمبر به ابی‌ذر هم هست که راجع به خودش هم می‌فرماید. ناظر دارم، دارد عمل من را می‌بیند، هر کاری می‌کنم و هرچه می‌گویم همه را دارد می‌نویسد. اول از قرآن آوردم، بعد روایت آوردم و ما دیگر بالاتر از قرآن نداریم، قرآن می‌گوید که این دو فرشته رهایت نمی‌کنند و همراهت هستند، می‌بینند و ثبت و ضبط می‌کنند. این دو فرشته شاهد عامل و عمل هستند، در روایت هم می‌گوید که از اینها خجالت بکش.

• پیامبر هم ناظر اعمال ما است

این قسم که شاهد، مشهود من نیست و من آن را به ظاهر رؤیت نمی‌کنم، مصادیق دیگر هم دارد. تا الآن یک مثالش را زدیم که دو فرشته را نمی‌بینم، چشم ملکوتی‌ام هم بسته است، کور باطن هستم، اگر کور باطن نبودم این دو تا را هم می‌دیدم. چه بسا اگر می‌دیدم خجالت می‌کشیدم.

ما بحثی داریم که من این بحث را گذشته مطرح کرده‌ام و الآن یک اشاره می‌کنم و رد می‌شوم؛ در بعضی از روایات دارد که اعمال ما که این فرشته‌ها ثبت و ضبط می‌کنند، هر روز به پیغمبر اکرم عرضه می‌شود. در اینجا این پیش می‌آید که وقتی عرضه می‌شود، آیا نوشته را می‌برند که آقا می‌بیند که مثلاً چنین کاری کردم، خبر به آقا می‌رسد یا خود عمل را می‌برند؟ در همه اینها بحث است. اگر من بدانم کاری که دارم می‌کنم می‌نویسند و بعد می‌برند می‌دهند به شخصی مثل پیغمبر و ایشان از کار من مطلع می‌شود؛ یا اینکه نه، خود کار را می‌برند، نفس عمل را به پیغمبر اکرم عرضه می‌کنند، چه می‌شود؟ اینها اطلاع بر عمل است، صحبت در این است یک وقت اطلاع، اطلاع شهودی ظاهری است و یک وقت شهودی ظاهری نیست، اینها همه تحت عنوان اطلاع است.

از پیامبر خجالت بکش! روایتی از امام صادق (صلوات‌الله‌علیه) است که فرمودند: «قال (عليه السلام) إِنَّ أَعْمَالَ الْعِبَادِ تُعْرَضُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ كُلِّ صَبَاحٍ أَبْرَارَهَا وَفُجَّارَهَا فَأَخَذَرُوا فَلَيْسَتْحَى أَحَدُكُمْ أَنْ يُعْرَضَ عَلَى نَبِيِّهِ الْعَمَلُ الْقَبِيحُ» [۸] الله بدهند. برای این که تا حدودی این روایت را تثبیت کرده باشم، این آیه شریفه را می‌خوانم که می‌فرماید: «وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» [۹] هر کاری می‌خواهی بکنی بکن، اما این را بدان که این عمل تو را خدا، پیغمبر و مؤمنین می‌بینند. خجالت بکش، حیا کن که یک وقت نکند عمل زشتت را ببرند نشان آقا رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) بدهند

• «ائمه» ناظر دیگری بر اعمال ما

اینجا در ذیل آیه روایتی داریم از امام صادق (علیه‌السلام) که فرمودند: «سئل الصادق (عليه السلام) عن هذه الآية فقال: وَ الْمُؤْمِنُونَ هُمُ الْأَئِمَّةُ» [۱۰] بالاتر رفت، شاهدان بیشتر شدند، ائمه هم می‌بینند. ما روایات زیادی داریم که گناه نکن، با این گناهانت داری پیغمبر را اذیت می‌کنی، چون می‌بیند. امام زمان (صلوات‌الله‌علیه) را اذیت نکن! او دارد می‌بیند. هنوز سراغ خدا نرفتیم. او جدا است «أَلَمْ يَعْلَمُوا بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ»، [۱۱] بعد سراغ خدا می‌روم.

امام زمان را با معصیت نیازید!

«حیاء از خلق، حیاء از نفس، حیاء از فرشتگان، حیا از پیغمبر، حیا از ائمه». اینها شخص دوم‌ها و ناظرهایی هستند که ما اینجا می‌توانیم درست کنیم. من از خودم نمی‌گویم، اینها در معارفمان هست. خیال نکنی اینها مطلع نمی‌شوند. من نمی‌خواهم وارد این بحث شوم چون قبلاً این را بحث کردم. روایات متعدده داریم که می‌گویند ما را با این معصیت‌هایتان اذیت نکنید. وقتی می‌آورند وضع شماها را می‌بینیم، کاری نکنید که ما را اذیت کنید. شما نمی‌دانید حیا چه بحثی است، یک بحث ریشه‌ای است. من گفتم حیا برای انسان چه نقش تخریبی‌اش و چه نقش سازندگی‌اش زیر بنایی است، از آن طرف شما ببینید بی‌شرمی چه می‌کند!



• خدا بالاترین ناظر

فکر کردی در خلوت هستی کسی نمی‌بیند؟ پس دروغ می‌گویی من مؤمنم، مسلمانم، قرآن را قبول دارم. اگر راست می‌گویی که مسلمانی هیچ وقت تنها نیستی، تو سر و علن نداری، برای تو همیشه علن است. اینها تازه مراحل پایین بود که گفتیم. مرحله بالاتر آن است که آن موجودی که بر تمام وجودت احاطه دارد، او دارد تو را می‌بیند. او «عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ» است.

اول این آیه شریفه را دقت کنید که چه قدر زیبا است وقتی که می‌خواهد مسأله فرشتگان را تعبیر کند اولش می‌گوید: «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ؛ إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ» [۱۲] اول می‌گوید من از رگ گردن به تو نزدیک‌تر هستم. اسم این حیا «حیا من الله» است. در مباحث معرفتی این را مطرح کردم و اینجا نمی‌خواهم مطرح کنم. «حیا من الخلق، من النفس، من الله» اینها همه معارف ما است. یاد این جمله امام (رضوان الله تعالی علیه) افتادم که فرمود: «عالم محضر خدا است، در محضر خدا گناه نکنید»، چه قدر زیبا گفته است. تو او را نمی‌بینی ولی در حضور او هستی. عمل زشت انجام ندهید.

- [١]. الكافي، ج ٢، ص ١٠٦.
- [٢]. غررالحكم، ص ٢٥٧.
- [٣]. غررالحكم، ص ٨٩.
- [٤]. غررالحكم، ص ٢٣٦.
- [٥]. غررالحكم، ص ٢٥٧.
- [٦]. غررالحكم، ص ٢٣٦.
- [٧]. سورة ق، آيات ١٧ و ١٨.
- [٨]. بحار الأنوار، ج ١٧، ص ١٤٩.
- [٩]. سورة التوبة، آيه ١٠٥.
- [١٠]. بحار الأنوار، ج ٢٣، ص ٣٥١.
- [١١]. سورة العلق، آيه ١٤.
- [١٢]. سورة ق، آيات ١٦ و ١٧.